

دکتر رابرت وانوی ، پادشاهان، سخنرانی ۱

دکتر رابرت وانوی ، دکتر پری فیلیس، و تد هیلدبرانت، ۲۰۱۲ ©

مقدمه - عنوان، نویسنده و تاریخ

مقدمه دوره

امشب برای این بخش مقدماتی دوره، قرار نیست کار زیادی جز خواندن این مطالب انجام دهم . می‌خواهم این کار را با جزوه انجام دهم چون بعضی از این مطالب کمی پیچیده است و فکر کردم احتمالاً برای شما راحت‌تر است که آن را به صورت کتبی داشته باشید تا اینکه بخواهید یادداشت‌برداری کنید . وقتی به خود کتاب پادشاهان و محتوای آن رسیدیم، قرار نیست این کار را انجام دهم و شما باید به یادداشت‌برداری خودتان تکیه کنید . اما برای این مطالب مقدماتی، جزوه را به شما دادم

الف .عنوان :پادشاهان

اولین چیزی که می‌خواستم در مورد آن صحبت کنم، نام کتاب است .عنوان عبری آن «ملاکیم » است که به معنی «پادشاهان» است .هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد این کتاب در متن عبری به دو بخش تقسیم شده باشد تا زمانی که نسخه عبری کتاب مقدس توسط دانیل بومبرگ ، ۱۵۱۶-۱۵۱۷، در ونیز منتشر شد .تقسیم کتاب به دو بخش توسط سپتواجینت معرفی شد .این ترجمه یونانی عهد عتیق است که پادشاهان و سموئیل را در یک اثر تاریخی بزرگ با عنوان «کتاب اول، دوم، سوم، چهارم سلطنت‌ها» یا «پادشاهی‌ها» ترکیب کرد .جروم این را در ولگات به «یک، دو، سه، چهار پادشاه» تغییر داد .تقسیم مطالب به دو بخش تا به امروز در هر دو نسخه عبری و زبان مدرن کتاب مقدس ادامه داشته است .فکر می‌کنم این چیزی است که ارزش دانستن دارد، به خصوص از آنجایی که ممکن است اشاره به «یک، دو، سه، چهار پادشاه» را ببینید که عنوانی بود که جروم در ولگات استفاده کرده بود .در سنت کاتولیک رومی، این عناوین هنوز هم استفاده می‌شوند، بنابراین ممکن است در تفسیری جستجو کنید یا گاهی در مطالعه خود به آن برخورد کنید که به «سه پادشاه» اشاره دارد و از خود پرسید که چیست» .سه پادشاه» همان اول پادشاهان ما خواهد بود، زیرا می‌بینید که در ولگات سموئیل، پادشاهان اول و دوم نامیده می‌شدند و سپس پادشاهان، پادشاهان سوم و چهارم نامیده می‌شوند، زیرا در ولگات سموئیل و پادشاهان به نوعی به عنوان یک واحد استفاده می‌شدند :یک، دو، سه، چهار

در سنت عبری، کتاب‌های سموئیل، سموئیل و کتاب‌های پادشاهان، پادشاهان نامیده می‌شوند و ما نیز از همین روش پیروی می‌کنیم .اما در ابتدا، هر دوی این کتاب‌ها یک واحد بودند .یک کتاب سموئیل و یک کتاب پادشاهان وجود دارد .تقسیم به دو کتاب فقط در نسخه هفتادگانی (سپتواجینت) انجام شد، اما

سپس از طریق نسخه هفتادگانی به این ویرایش‌های بعدی متون عبری بازگشت، به طوری که متن عبری فعلی ما شامل دو کتاب پادشاهان و دو کتاب سموئیل است. اما این واقعاً نسخه اصلی نبود.

با این حال، واضح است که مطالب این دو کتاب، وحدت اصلی را تشکیل می‌دهند. این تقسیم‌بندی در مکانی نسبتاً دلخواه، هرچند مناسب، پس از مرگ اخاب در اول پادشاهان ۲۲:۳۷ و یهوشافاط در رخ می‌دهد. اکنون اخاب پادشاه شمال و یهوشافاط پادشاه جنوب بود. مرگ دو پادشاه بزرگ را ۲۲:۳۰ درست در آخرین فصل از کتاب اول پادشاهان می‌بینید، بنابراین مکان مناسبی است. اما این باعث می‌شود که روایت سلطنت اخازیا از اسرائیل، یعنی ۲۲:۵۱-۵۳، با پایان کتاب اول پادشاهان و آغاز کتاب دوم پادشاهان همپوشانی داشته باشد. همین امر در مورد الیاس نیز صادق است که زندگی او در کتاب اول پادشاهان روایت شده است، اما ترجمه او به بهشت در کتاب دوم پادشاهان روایت شده است. بنابراین تقسیم‌بندی تا حدودی دلخواه است، اما در مکانی نسبتاً مناسب.

وقتی این کتاب را به عنوان یک واحد در نظر بگیریم، جایگاه مشخصی در میان پیامبران پیشین در مجموعه عهد عتیق پیدا می‌کند. انبیای پیشین: «این نامگذاری یا عنوان سنتی یهودی برای چیزی است که ما معمولاً کتاب‌های تاریخی می‌نامیم. اما پیامبران پیشین، یوشع، داوران، سموئیل و پادشاهان، روی هم رفته تاریخ اسرائیل پیش از تبعید در کنعان را شرح می‌دهند. آنها پس از مرگ موسی آغاز می‌شوند و با مرگ نبوکدنصر که جانشین او مروداخ شرور شد و به استقلال اسرائیل پایان داد، پایان می‌یابند. پادشاهان پایان حکومت داوود، پادشاهی متحد تحت حکومت سلیمان و پادشاهی تقسیم‌شده را به طور کامل توصیف می‌کند.

ب. محتوای کلی - ساختار سه‌گانه

بسیار خوب، ب یعنی: «محتوای کلی. «پادشاهان آخرین دوره از تاریخ اسرائیل پیش از تبعید را توصیف می‌کند. این دوره با مرگ داوود آغاز می‌شود و به طور طبیعی به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود. این سه بخش عبارتند از: اول پادشاهان ۱-۱۱، که شرحی از حکومت سلیمان است که پادشاهی‌های اسرائیل و یهودا تحت حکومت او متحد می‌شوند. دوم، اول پادشاهان ۱۲ - دوم پادشاهان ۱۷ تاریخ پادشاهی تقسیم‌شده را تا سقوط اسرائیل، یعنی پادشاهی شمالی با تصرف سامره توسط آشوریان، ارائه می‌دهد. این از اول پادشاهان ۱۲ تا دوم پادشاهان ۱۷ - دومین بخش اصلی - را شامل می‌شود. سوم، دوم پادشاهان ۱۸-۲۵ است که در آن پادشاهی یهودا تا نابودی اورشلیم را با دو ضمیمه در مورد جدلیا (دوم پادشاهان ۲۲:۲۵-۲۶ (و یهوایکین) دوم پادشاهان ۲۲:۲۵، ۲۷-۳۰ (دارید. حال، وقتی می‌گویم پادشاهی

یهودا تا ویرانی اورشلیم، منظور پادشاهی یهودا پس از سقوط سامره در شمال تا پایان آن، از ۷۲۲-۷۲۱ قبل از میلاد تا ۵۸۶ قبل از میلاد است. بنابراین، اینها سه بخش اصلی هستند.

در بخش دوم، تاریخ دو پادشاهی نه به صورت روایت‌های جداگانه، بلکه به صورت موازی ارائه شده است. با شروع از پربعام اول، تکنیک مورد استفاده توصیف سلطنت و فعالیت‌های یک پادشاه خاص و سپس حرکت به سمت تمام پادشاهان سایر پادشاهی‌هایی است که معاصر آن بودند و سپس به همین ترتیب پیش می‌رود. ترکیب کتاب با تنظیم توصیف هر پادشاه در چارچوب فرمول‌های مقدماتی و پایانی مشخص می‌شود. فرمول مقدماتی معمولاً شامل شش عنصر زیر است: سن جانشینی، مدت سلطنت، محل حکومت، نام مادر، ارزیابی سلطنت و همزمانی. یعنی او در فلان سال پادشاهی در پادشاهی دیگر شروع به سلطنت کرد. با آن همزمانی دارد. فرمول پایانی معمولاً شامل یک منبع تکمیلی است، مانند: بقیه اعمال فلانی را می‌توان در جای دیگری خواند («اعلام مرگ، محل دفن، نام جانشین»).

۱. فرمول‌های چارچوب مقدماتی برای هر پادشاه

نمونه‌ای از این چارچوب در مورد رحبعام در اول پادشاهان ۱۴:۲۱ آمده است: او چهل و یک ساله بود که پادشاه شد، هفده سال در اورشلیم سلطنت کرد، نام مادرش نعمه بود، او یک عمونی بود. در می‌خوانید: و اما سایر وقایع سلطنت رحبعام و هر چه کرد، آیا در کتاب تواریخ پادشاهان ۱۴:۲۹-۳۱ یهودا نوشته نشده است؟ و رحبعام با پدران خود آرمد و با آنها در شهر داوود دفن شد. و پسرش ابیا به جای او پادشاه شد. «بنابراین می‌بینید که این نوع فرمول‌ها در آغاز و پایان سلطنت برای هر یک از پادشاهان کاملاً استاندارد هستند. همه آنها شامل همه این عناصر نیستند، اما معمولاً تعداد قابل توجهی از آنها را شامل می‌شوند.

با شروع از ابیا، عنصر دیگری به فرمول مقدماتی اضافه می‌شود، یعنی همزمانی با حکومت پادشاهی دیگر. اول پادشاهان ۱۵:۱: ابیا دومین پادشاه در جنوب بود؛ رحبعام اولین پادشاه بود، سپس ابیا. در مورد ابیا آمده است: «در هجدهمین سال سلطنت پربعام، پسر نباط، ابیا پادشاه یهودا شد.» بنابراین این اولین همزمانی شماست. پربعام اولین پادشاه در شمال بود و در هجدهمین سال سلطنت او، ابیا شروع به سلطنت در جنوب می‌کند. با ناداب اسرائیل در اول پادشاهان ۱۵:۲۸ و آسا یهودا، اول پادشاهان ۱۰:۱۶-۱۱ سال مرگ، ۱۱

با این حال، مهمترین عنصر در فرمول مقدماتی و ایله نیز همزمان است. ۲. ارزیابی هر پادشاه پایانی، قضاوت یا ارزیابی پادشاه بر اساس این معیار است که آیا او به خداوند و عهد وفادار بوده یا به بتپرستی روی آورده است. از آنجا که پادشاهان اسرائیل، که پادشاهی شمالی است، همگی در پرستش

گوساله در بیتئیل و دان شرکت داشتند، گفته می‌شود که همه آنها "در راه یربعام پسر نباط که اسرائیل را به گناه کشاند، گام برداشتند" - اول پادشاهان ۱۵:۳۴. فقط در مورد یورام، دوم پادشاهان ۳:۲، و هوشع، دوم پادشاهان ۱۷:۲، قضاوت شامل نوعی ستایش است. بنابراین در مورد پادشاهان شمالی می‌بینید، زیرا درست پس از تقسیم پادشاهی‌ها، یربعام آن گوساله‌ها را در بیتئیل و دان برپا کرد، اما آن پادشاهان شمالی، همه آنها در راه یربعام، پسر نباط، در گناه بت‌پرستی گام برداشتند.

ارزیابی پادشاهان یهودا تا حدودی ظریف‌تر است، اما حتی وقتی به طور کلی مواردی در فعالیت‌های آنها وجود دارد که مورد تأیید است، این واقعیت باقی می‌ماند که آنها مکان‌های بلند را از بین نبرده‌اند. ستایش‌های بی‌حد و حصر فقط به حزقیا و یوشیا داده می‌شود - دوم پادشاهان ۱۸:۲۴، دوم پادشاهان ۲۲:۳ و ۲۳:۸.

پنج پادشاه به طور مشروط مورد تأیید قرار گرفته‌اند: آسا، یهوشافاط، یهواش، عزریا و یوتام. در مورد آن پنج پادشاه آمده است که آنها اساساً پادشاهان خوبی بودند اما مکان‌های بلند را از بین نبردند. بنابراین این صلاحیت وجود دارد. اگر به آن متون نگاه کنید، می‌توانید آن را ببینید. شدیدترین عدم تأیید به اخاب از پادشاهی شمالی داده شده است،¹ پادشاهان ۱۶:۲۹-۳۴، و منسی در جنوب، دوم پادشاهان ۲۱.

این‌ها فرمول‌هایی هستند که شرح سلطنت پادشاهان مختلف را بحث بر سر تاریخ‌گذاری فرمول‌ها ۳. معرفی و نتیجه‌گیری می‌کنند. عموماً پذیرفته شده است که این فرمول‌های چارچوب، آثار خود نویسنده هستند، حتی اگر او جزئیات اطلاعات موجود در آنها را از بایگانی دربار جمع‌آوری کرده باشد. با این *Geschichte* «حال، در مورد زمان منشأ آنها اختلاف نظر وجود دارد. به *اورلیچ نگاه کنید* این کتاب «سنت‌ها، *مطالعات تاریخی*» نوشته مارتین نات است. ترجمه انگلیسی آن «۱۹۴۳ است که در سال ۱۹۸۱ ترجمه شده است. این نوشته بسیار تأثیرگذار *Deuteronomistic History* است. مارتین نات معتقد است که این فرمول‌های مقدماتی و پایانی، جدیدترین مطالب در کتاب پادشاهان هستند و چارچوب نهایی را تشکیل می‌دهند که مطالب قبلی در آن تنظیم شده‌اند.

از سوی دیگر، آلفرد جیسون، *منابع کتاب پادشاهان*، ۱۹۵۶، دقیقاً نقطه نظر مخالف را اتخاذ می‌کند. او می‌گوید که مطالب چارچوب، قدیمی‌ترین مطالب کتاب پادشاهان فعلی است که از آنچه او وقایع‌نگاری همزمان «اسرائیل و یهودا می‌نامد، ناشی می‌شود و شامل مطالبی از وقایع‌نامه‌های هر دو» پادشاهی است. او تألیف آن را به کاهنی نسبت می‌دهد که تقریباً در پایان دوره پادشاهی تقسیم‌شده زندگی می‌کرد. این ساختاری را فراهم کرد که ویراستاران بعدی انواع مطالب را از منابع دیگر در آن قرار دادند. جیسون این وقایع‌نامه را هسته اصلی کتاب پادشاهان فعلی می‌داند که شامل تاریخ فشرده هر دو پادشاهی تا زمان حزقیا است. بحث مفصل‌تر در این مورد ما را خیلی گمراه می‌کند. من نمی‌خواهم زیاد

درگیر این نوع مسائل شوم.

تقسیم‌بندی دقیق‌تر - بریتانیا - اول پادشاهان ۱-۱۱. ۴.

وقتی به اولین بخش اصلی، اول پادشاهان ۱-۱۱، دقیق‌تر نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که به مطالب مقدماتی، فصل‌های ۱ و ۲، و یک فصل نتیجه‌گیری، فصل ۱۱، تقسیم می‌شود. بین این دو بخش، فصل‌های ۳-۱۰، بر «الف» حکمت سلیمان، فصل‌های ۳ و ۴، تمرکز دارند. ب «ساخت معبد و کاخ، فصل‌های ۵-۹؛ و ج» رفاه و ثروت او، فصل ۱۰. خواننده بلافاصله متوجه می‌شود که نویسنده این مطالب را طوری مرتب کرده است که جنبه تاریک زندگی و فعالیت‌های سلیمان را در فصل آخر قرار دهد. این ترتیب دقیقاً به ترتیب زمانی نیست، همانطور که به ویژه در ۱۱:۱۴ به بعد دیده می‌شود. این ترتیب عمدتاً به وقایع بسیار زودتر از آیات قبل و بعد اشاره دارد. ب. این ساختار آن بخش اول است. اول پادشاهان ۱-۱۱ درباره سلیمان و پایان پادشاهی متحده است.

بخش دوم - اول پادشاهان ۱۲-۲ پادشاهان ۱۷ - پادشاهی تقسیم شده ۵.

دومین بخش اصلی، اول پادشاهان ۱۲ تا دوم پادشاهان ۱۷، شامل تاریخ دوره پادشاهی تقسیم‌شده است. این بخش از مرگ سلیمان تا تبعید آشوریان از پادشاهی شمالی در ۷۲۲ پیش از میلاد را در بر می‌گیرد. این بخش، به مراتب بزرگترین بخش از این سه بخش است. تقسیم این مطالب به بخش‌های فرعی، باید بگویم، بسیار دشوارتر از مطالب مربوط به سلطنت سلیمان است. در بخش اول، در هر دوره تاریخی حدود ۴۰ ساله، یک پادشاه وجود دارد. دومین بخش اصلی، اول پادشاهان ۱۲ تا دوم پادشاهان شامل تاریخ پادشاهی تقسیم‌شده از مرگ سلیمان تا سقوط سامره است. در بخش دوم، پادشاهان ۱۷، متعددی در دو پادشاهی و بیش از ۲۰۰ سال تاریخ وجود دارد.

تنها در یک مورد، جانشینی همزمان در دو پادشاهی وجود دارد. عمدتاً زمانی که یورام از اسرائیل و اخزیا از یهودا در یک روز توسط بیهو کشته شدند. دوم پادشاهان ۲۱:۹-۲۸. بنابراین، انقلاب بیهو یک نقطه اصلی جدایی برای این بخش، یعنی دوم پادشاهان ۹، فراهم می‌کند. به طرح کلی بخش‌های ۲ و ۳ مراجعه کنید.

سوال این است که چگونه مطالب را بیشتر تقسیم کنیم. در اینجا چیزی کاملاً متفاوت توجه ما را جلب می‌کند. در بخش زیادی از مطالب باقی‌مانده، پیامبران الیاس و الیشع جایگاه غالب را به خود اختصاص می‌دهند. این دو مرد، نکات جهت‌گیری بسیاری از روایت‌ها را ارائه می‌دهند. زمان الیاس با اول پادشاهان ۱:۱۷ آغاز می‌شود و زمان الیشع ۱:۲ بود. این به ما سه نکته جهت‌گیری اصلی برای اول پادشاهان ۱۲ تا دوم پادشاهان ۱۷ می‌دهد. ۱ (اول پادشاهان ۱۷، الیاس؛ ۲ (دوم پادشاهان ۱:۲، الیشع؛

دوم پادشاهان ۹، یهو. اینها سه زیربخش اول پادشاهان ۱۲ تا دوم پادشاهان ۱۷ هستند (۳)

سعی کن این را تجزیه و تحلیل کنی، به خاطر همه هماهنگی‌ها، قوانین پادشاهان شمال و پادشاهان جنوب، کمی سخت است. اما فکر می‌کنم می‌توانی به سه چیز تکیه کنی: اول پادشاهان ۱۷، الیاس است، دوم پادشاهان ۲، الیشع است، و دوم پادشاهان ۹، یهو است. یهو شخصیت مهمی است. بنابراین این تقسیم‌بندی‌ها به شما نوعی نقاط تمایز عمده می‌دهند.

در مورد قبل از الیاس، یک نقطه تمایز مناسب، نتیجه‌گیری اول پادشاهان ۱۴ است. فصل‌های ۱۲-۱۴ به تاریخ پربعام اول و رحبعام، دو حاکم اول پادشاهی تقسیم‌شده، می‌پردازد. فصل‌های ۱۵-۱۶ به ۱۲-۱۴ هر دو جانشین آنها تا زمان اولین ظهور الیاس می‌پردازد. فصل‌های ۱۷-۱۹ الیاس را به عنوان مرکز تمرکز خود دارند. فصل‌های ۲۰-۲۱ پادشاهان ۱ شامل داستان‌هایی از الیاس است که با داستان‌هایی از جنگ‌های اخاب با سوری‌های دمشق در هم آمیخته شده است. دوم پادشاهان ۲-۸ حول محور خدمت الیشع می‌چرخد و دوم پادشاهان ۹-۱۰ انقلاب یهو را توصیف می‌کند.

دوم پادشاهان ۱۱-۱۴ به دوران سلطنت یوآش و روزهای پایانی یهودا - دوم پادشاهان ۱۸-۲۵. ۶. آمازیا از یهودا و پادشاهان معاصر اسرائیل می‌پردازد. دوم پادشاهان ۱۵-۱۷ به روزهای پایانی پادشاهی شمالی و پادشاهان معاصر یهودا می‌پردازد.

سپس بخش اصلی پایانی، دوم پادشاهان ۱۸-۲۵، مربوط به روزهای پایانی پادشاهی یهودا است که با سلطنت حزقیا شروع می‌شود و شامل سلطنت‌های مهم منسی و یوشیا می‌شود. خوب، تا اینجا به محتوای کلی پرداختیم. این به شما ایده‌ای از مطالبی که در اول و دوم پادشاهان پوشش داده شده است، می‌دهد.

ج. نویسندگان و منابع ۱. ارمیا و همکاران

به معنای «نویسنده و منابع» است. اول، نویسنده. این سوال که چه کسی اول و دوم «C» پادشاهان را نوشته، مدت‌هاست که مورد بحث بوده و شواهد محکم کمی برای توجیه مبنایی برای رسیدن به یک نتیجه وجود دارد. در میثنا، ارمیا به عنوان نویسنده اول و دوم پادشاهان شناخته می‌شود. اگرچه این غیرممکن نیست، اما بسیار بعید به نظر می‌رسد. تعداد کمی از محققان مدرن، اگر نگوییم هیچ، این را به عنوان یک سنت قابل اعتماد می‌پذیرند. اگرچه گلیسون آرچر در مقدمه خود این احتمال را مطرح می‌کند که ارمیا نویسنده همه فصل‌ها به جز فصل آخر بوده است، که جالب است. هر کسی که آن را نوشته، باید آخرین رویداد در پادشاهان، یعنی مرگ یهوایکین، دوم پادشاهان ۲۷:۲۵-۳۰، را منبع قرار داده باشد. در حالی که به صراحت به مرگ او اشاره نشده است، متن از آذوقه در سفره پادشاه تا زمانی

که او زنده بود، صحبت می‌کند. ما نمی‌دانیم او چقدر عمر کرد. ما می‌دانیم که یهوایکین در سی و هفتمین سال تبعید، در سالی که اوایل مرو دک جانشین نیوکدنصر به عنوان پادشاه بابل شد، از زندان آزاد شد. این سال ۵۶۲ قبل از میلاد یا حدود ۲۵ سال پس از سقوط اورشلیم است، دوم پادشاهان ۲۷:۲۵. اگر به دوم پادشاهان ۲۷:۲۵ نگاه کنید، می‌خوانید: «در سی و هفتمین سال تبعید یهوایکین، پادشاه یهودا، در سالی که اوایل مرو دک پادشاه بابل شد، یهوایکین را در روز بیست و هفتم ماه دوازدهم از زندان آزاد کرد. با او با مهربانی سخن گفت و به او کرسی افتخاری بالاتر از سایر پادشاهانی که با او در بابل بودند، داد. پس یهوایکین لباس زندان خود را کنار گذاشت و تا آخر عمرش مرتباً بر سر سفره پادشاه غذا می‌خورد. پادشاه تا زمانی که یهوایکین زنده بود، هر روز به او مستمری می‌داد.» حالاً، این سی و هفتمین سال تبعید اوست، یا ۵۶۲ پیش از میلاد.

سیزدهمین سال سلطنت یوشیا به پیامبری فراخوانده شد. در ارمیا ۲:۱ می‌خوانید: «کلام خداوند در سیزدهمین سال سلطنت یوشیا، پسر آمون، پادشاه یهودا، بر او نازل شد.» «ارمیا در ارمیا ۶:۱ می‌گوید: من کودکی بیش نیستم.» یوشیا در سال ۶۴۰ پیش از میلاد مسیح به سلطنت رسید. اگر فرض کنیم که «ارمیا در زمان پیامبری ۲۰ ساله بوده است، در زمان آزادی یهوایکین، او ۸۵ سال سن داشته است. ببینید، سال ۶۴۰ پیش از میلاد، سیزدهمین سال سلطنت یوشیا است. اگر ارمیا در آن زمان ۲۰ ساله بوده باشد، تولد او در سال ۶۴۷ قبل از میلاد بوده است. و اگر سال ۶۴۷ را با سال ۵۶۲ مقایسه کنید، که سال آزادی یهوایکین است، ارمیا در آن زمان ۸۵ ساله بوده است. اگر پنج سال دیگر را که یهوایکین از وضعیت جدید خود، یعنی آزادی از زندان، برخوردار بوده است، به آن اضافه کنیم، به حدود ۹۰ سال سن ارمیا می‌رسیم.

اگرچه غیرممکن نیست که ارمیا این همه عمر کرده باشد تا در کتاب‌های اول و دوم پادشاهان نوشته باشد، اما به دلایل مختلف محتمل به نظر نمی‌رسد. اول، ای جی. یانگ در مقدمه خود، صفحه به این نکته اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد روایت تبعید و زندانی شدن یهوایکین در بابل نوشته ۱۸۸، شده باشد، اما ارمیا به مصر برده شد. به یاد داشته باشید، پس از تصرف اورشلیم، ارمیا به مصر رفت. ارمیا ۴۳: ۱-۸. دوم، آخرین فصل ارمیا، فصل ۵۲، بسیار شبیه به دوم پادشاهان ۲۴: ۱۸-۲۵، ۳۰ است، اما در ارمیا ۶۴: ۵۱ آمده است: «سخنان ارمیا در اینجا به پایان می‌رسد.» ببینید، آخرین عبارت آن فصل «سخنان ارمیا در اینجا به پایان می‌رسد.» است، و سپس در فصل ۵۲ توصیفی از سقوط اورشلیم دارید که بسیار شبیه به آنچه در کتاب پادشاهان دارید، می‌باشد. به نظر می‌رسد که ارمیا ۵۲ و دوم پادشاهان ۲۴: ۱۸-۲۵، ۳۰ از یک منبع مشترک گرفته شده‌اند که توسط ارمیا نوشته نشده است. تفاوت‌های کلامی جزئی در این دو روایت وجود دارد. آرچر، که به نویسندگی ارمیا استدلال می‌کند، شواهدی برای این موضوع پیدا می‌کند که نام ارمیا در اول و دوم پادشاهان ذکر نشده است. من حدس

می‌زنم او احساس می‌کند که ارمیا به عنوان نویسنده توجه را به خود جلب نمی‌کرده و بنابراین هرگونه اشاره‌ای به خود را حذف می‌کند، و این نشانه‌ای است که او نویسنده است. با این حال، این استدلالی از سکوت است و به سختی قانع‌کننده است. نام سایر پیامبران نیز ذکر نشده است. به عنوان مثال، حزقیال که همزمان با یهوایکین به اسارت گرفته شد. یونس در دوم پادشاهان ۱۴:۲۵ ذکر شده است. بنابراین به برخی از پیامبران اشاره شده است، اما به برخی دیگر اشاره نشده است. بنابراین فکر نمی‌کنم بتوانید از این واقعیت که از ارمیا به عنوان مدرکی مبنی بر نویسنده بودن او نام برده نشده است، نتیجه زیادی بگیرید. بنابراین شواهد محکم کمی برای اثبات اینکه ارمیا نویسنده‌ی پادشاهان است، وجود دارد.

۲. نسخه‌های تثنیه‌ای انتقادی ادبی پادشاهان

را که از یوشع، داوران، JEDP در میان مکتب نقد ادبی، کسانی هستند که تلاش کرده‌اند منابع سموئیل و سپس تا پادشاهان امتداد یافته‌اند، ببینند. این دیدگاه امروزه طرفداران کمی دارد، اگرچه اتو آیسفلت از طرفداران این دیدگاه است. این مطالب پیش از تثنیه، سپس به عنوان مطالبی بازسازی شده و اضافه شده توسط ویراستار یا ویراستاران تثنیه در نظر گرفته می‌شود. ایده انتقادی عموماً پذیرفته شده این است که دو نسخه تثنیه از پادشاهان وجود داشته است. یکی در حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد، که به طور متفاوتی به عنوان کمی قبل یا کمی بعد از مرگ یوشیا در نظر گرفته می‌شود و سپس یک نسخه اصلاح شده با نسخه‌هایی که در طول تبعید تا ۵۵۰ سال قبل از میلاد نوشته شده‌اند. این دیدگاه مستلزم جداسازی گسترده مطالب اصلی از تفاسیر بعدی است که جزئیات آن را نمی‌توانیم در اینجا مورد بحث قرار دهیم. همانطور که آر. کی. هریسون، *عهد عتیق در مقدمه آمده است*: «میزان اختلاف نظر میان کسانی که فرضیه دو ویراستار تثنیه را می‌پذیرند، نشانه‌ای از ضعف اساسی این نظریه است» (صفحه ۷۳۱). این موضوع بحث بزرگی را در ادبیات ایجاد کرده است. منتقدان با تحلیل کتاب پادشاهان، سعی می‌کنند مطالب اصلی و ویرایش بعدی تثنیه را از هم جدا کنند. کدام مطالب اصلی‌تر هستند و با فرض اینکه دو ویرایش از این ویرایش تثنیه وجود داشته و اولی را از دومی جدا کرده‌اند، واقعاً مطالب بسیار پیچیده‌ای با اختلاف نظرهای زیادی است. هر کسی که در این مورد کتابی می‌نویسد، در مورد اینکه چگونه هر قسمت به چه چیزی نسبت داده می‌شود، نتیجه‌گیری متفاوتی دارد. به نظر من نویسنده کسی از سلسله پیامبران بوده است. ما نویسنده را نمی‌شناسیم؛ نویسنده ناشناس است، اما این دقیقاً همان کاری است که پیامبران انجام داده‌اند. کتاب پادشاهان در واقع یک تفسیر نبوی از تاریخ است. و به نظر می‌رسد که باید پیامبری وجود داشته باشد که این مطالب را کنار هم قرار دهد، اما ما نمی‌دانیم چه کسی

رایج‌ترین و غالب‌ترین ایده در رابطه با نویسندگی، نظریه تاریخ تثنیه مارتین نات است. رجوع کنید به مارتین نات *تاریخ تثنیه* که در سال ۱۹۸۱ به زبان انگلیسی منتشر شد. به گفته‌ی نات، گروهی

از مورخان تثنیه-تاریخی از گذشتگان، مطالب مربوط به پادشاهان را غربال کرده و آن را بر اساس اصول الهیات تثنیه تاریخی مرتب کردند. از نظر او، فقط یک نویسنده برای کل مجموعه مطالب از تثنیه تا دوم پادشاهان وجود داشته است. ببینید، این واقعاً بر اساس دیدگاه قدیمی ولهاوزن است که کتاب عهد که در زمان یوشیا در معبد یافت شد، کتاب تثنیه بود. این کتاب عمدتاً نادیده گرفته شده یا گم شده بود. اما نه تنها این، بلکه در زمان یوشیا در تلاشی برای متمرکز کردن عبادت در اورشلیم نوشته شده بود. کتاب تثنیه تا زمان یوشیا واقعاً وجود نداشت. اما در هر صورت، از نظر نات، مورخ تثنیه، تثنیه ۱-۴ را به عنوان مقدمه‌ای بر کل تاریخ خود و همچنین تثنیه ۲۹-۳۰ اضافه کرد. او همچنین یوشع، داوران، سموئیل و پادشاهان را به عنوان یک ارائه الهیاتی که توسط آرمان‌های مطالب تثنیه اداره می‌شود، گردآوری کرد. این بدان معناست که برای نوت، اول و دوم پادشاهان اثر یک نویسنده واحد بود که در دوره تبعید زندگی می‌کرد. این نویسنده از روایات و منابع مختلفی که در اختیار داشت استفاده کرد تا تاریخ دوره پادشاهی در وجود اسرائیل به عنوان یک ملت را مطابق با دیدگاه تثنیه ارائه دهد. از نظر نوت، چارچوب موجود در اول و دوم پادشاهان همزمان با شکل‌گیری مطالب روایی در یک ترکیب واحد ایجاد شد. نویسنده این چارچوب همان نویسنده/ویراستار مطالب روایی است. این اثر، رساله‌ای با دقت برنامه‌ریزی شده از دست یک نویسنده واحد است.

حال، با توجه به این موضوع، مشکلی با آن وجود ندارد. جنبه‌های دیگر این نظریه مشکلات زیادی دارند، اما حداقل او یک طرح یکپارچه برای کتاب می‌بیند. و او تأثیر تثنیه را در کتاب می‌بیند. امروزه در بین محققان منتقد توافق عمومی وجود دارد که اول و دوم پادشاهان یک اثر تاریخی است که با دیدگاه تثنیه اداره می‌شود و از طریق آن اقدامات پادشاهان مختلف اسرائیل و یهودا ارزیابی می‌شود.

۳. بحث در مورد رویکرد انتقادی تثنیه و پاسخ

اگرچه ممکن است با این توصیف از کتاب موافق باشیم، اما خوب است هنگام استفاده از و انوی اصطلاح «تثنیه‌ای» یا «تثنیه‌ای» تمایزی را در نظر داشته باشیم. در محافل انتقادی، این اصطلاح معمولاً بر این پیش‌فرض استوار است که کتاب تثنیه کمی قبل از اصلاحات در زمان سلطنت یوشیا نوشته شده و پایه و اساس این اصلاحات را فراهم کرده است. ایده‌های تثنیه جدید و انقلابی تلقی می‌شوند، ایده‌هایی که در اسرائیل نسبتاً دیر در دوره پادشاهی ظهور کرده‌اند. زمان یوشیا کمی قبل از پایان پادشاهی جنوبی، قبل از میلاد است. البته، اعتراضات جدی به چنین دیدگاهی وجود دارد. تأکید در تثنیه بر اطاعت از ۵۸۶ قانون با برکت یا لعنت ناشی از آن فقط تثنیه‌ای نیست، بلکه در خروج و لایوان نیز به همان اندازه در تثنیه، عهدی است. البته، آنچه این محققان منتقد می‌گویند این است که خروج و لایوان، عمدتاً، مطالب

بعدی یا قبل از تبعید بوده‌اند. اگر مطالب کتاب مقدس را آنطور که به ما ارائه شده است، مانند خروج، لاویان و تثنیه که در اصل مربوط به زمان موسی هستند، نپذیرید، قضیه خیلی پیچیده می‌شود.

با این حال، مکتب انتقادی همچنین از آنچه که به عنوان الزام تثنیه برای تمرکز عبادت در اورشلیم تلقی می‌شود، که تخریب اماکن مرتفع در سراسر سرزمین را ضروری می‌کرد، بسیار اهمیت می‌دهد. این الزام تمرکز ظاهراً در تثنیه ۱۲ آموزش داده شده و حدود ۶۲۱ سال قبل از میلاد مسیح به وجود آمده است. حال، این موضوع به خودی خود جای بحث دارد که آیا تثنیه ۱۲ واقعاً یک محراب واحد را الزامی می‌داند، اینکه تنها عبادت مشروع در یک محراب مرکزی مجاز است و همه محراب‌های دیگر به خودی خود نامشروع هستند. من فکر نمی‌کنم این چیزی باشد که تثنیه می‌گوید، اما این دیدگاه این رویکرد است.

از دیدگاه انتقادی، این الزام سپس به یک استاندارد اولیه تبدیل شد که هر پادشاه با آن قضاوت می‌شد. با این حال، باید توجه داشت که چندان واضح نیست که تثنیه ۱۲ مستلزم تمرکز عبادت باشد. و علاوه بر این، وقتی کسی موضع انتقادی کلی در مورد تثنیه و تاریخ نگارش آن را می‌پذیرد، باید ارزیابی پادشاهان پیشین با این استاندارد متاخر را روشی مصنوعی و تحریف‌شده برای ارزیابی سلطنت آنها بداند. به عبارت دیگر، اگر تثنیه تا زمان یوشیا وجود نداشت، چگونه می‌توانستید سلطنت مثلاً رحبعام، اولین پادشاه پادشاهی جنوبی، را بر اساس تثنیه ارزیابی کنید، اگر تثنیه در سال ۹۳۱ قبل از میلاد وجود نداشته باشد؟ چگونه می‌توانستید سلطنت رحبعام را بر اساس تثنیه ارزیابی کنید، اگر تثنیه تا سال بعد در سال ۶۲۱ قبل از میلاد وجود نداشت؟ ۳۰۰

بنابراین، اگر این موضع انتقادی و تاریخ ۶۲۱ برای تثنیه را بپذیرید، باید ارزیابی پادشاهان پیشین با این معیار متاخر را روشی مصنوعی و تحریف‌شده برای ارزیابی سلطنت آنها بدانید. نویسنده تاریخ تثنیه‌ای را باید بیشتر علاقه‌مند به الهیات خود دانست تا حقایق تاریخ. بنابراین نوشته او به یک تاریخ الهیاتی تبدیل می‌شود، به این معنا که الهیات او مستلزم تحریف آنچه واقعاً اتفاق افتاده است، می‌باشد. برای مثال، ولهاوزن در مورد تقسیم پادشاهی و تأسیس مراکز عبادت در بیت‌ئیل و دن توسط یربعام اول چنین اظهار نظر کرد: «از سوی دیگر، در مورد جدایی آنها از آیین موسی که در اورشلیم مشاهده می‌شد، ابتدا فقط توسط یهودیان بعدی به عنوان یک گناه علیه آنها مطرح می‌شد. در آن زمان، دین هیچ مانعی در راه جدایی آنها ایجاد نمی‌کرد؛ برعکس، در واقع نشان می‌دهد که آن را ترویج می‌کرد. آیین اورشلیم هنوز به عنوان تنها آیین مشروع شناخته نشده بود. آیینی که توسط یربعام در بیت‌ئیل و دن تأسیس شده بود، به همان اندازه درست شناخته می‌شد. تصاویر خدایان در هر سه مکان، و در واقع در هر مکانی که خانه‌ای از خدا یافت می‌شد، به نمایش گذاشته می‌شد.» به عبارت دیگر، گفته می‌شود که وضعیت واقعی در زمان یربعام با تصویری که از آن در تاریخ تثنیه یافت می‌شود، بسیار متفاوت بوده است.

این موضوع و لهاوزن را مجبور می‌کند تا واقعیت کل داستان مرد خدایی از یهودا را که در اول پادشاهان ۱۳ علیه قربانگاه یربعام صحبت کرد، زیر سوال ببرد. ببینید آن مرد خدایی از یهودا در اول پادشاهان ۱۳ می‌رود و آن قربانگاه را در بیت‌ئیل محکوم می‌کند. خب، اگر در آن زمان اولیه هیچ ایده‌ای از تمرکز عبادت وجود نداشت، که و لهاوزن احساس می‌کرد لازمه تثنیه‌ای است که در آن زمان وجود نداشت، چرا مرد خدایی از یهودا به آنجا می‌رود و عبادت در قربانگاه بیت‌ئیل را محکوم می‌کند؟ خب، و لهاوزن فکر نمی‌کند که او این کار را کرده باشد. او فکر می‌کند که این یک ساختار از زمان‌های بعدی است که سعی دارد الهیات تثنیه را در طول زمان تفسیر کند. این داستان طوری بسط داده شده است که نشان دهد این ایده یک ایده باستانی بوده است، در حالی که در واقع اینطور نبوده است. بنابراین این موضوع و لهاوزن را مجبور می‌کند تا واقعیت کل آن داستان را زیر سوال ببرد، که البته او فکر نمی‌کند. او فکر نمی‌کند که چنین چیزی هرگز اتفاق افتاده باشد.

و لهاوزن در جای دیگری می‌تواند درباره ویرایش تثنیه‌ای کتاب‌های اول و دوم پادشاهان بگوید: این ویرایش، همانطور که انتظار داریم، با مطالبی که این اثر بر آنها بنا شده است، بیگانه است، بنابراین «به آنها آسیب می‌رساند.» او از حقایق کتاب صحبت می‌کند که نه تنها مورد قضاوت قرار گرفته‌اند، بلکه مطابق با کتاب تثنیه یوشیا نیز تنظیم شده‌اند. همه این کارها به منظور ارائه توضیحی الهیاتی به مردم تبعیدی برای شرایطشان انجام شده است. اما این بدان معناست که هر جا ایده‌ها و دیدگاه‌های تثنیه‌ای در متون قبل از زمان یوشیا یافت می‌شدند، به عنوان الحاقات و تحریفات ثانویه از آنچه واقعاً اتفاق افتاده بود، در نظر گرفته می‌شدند. فعلاً همینقدر در مورد نویسنده بحث می‌کنیم. بعداً به این موضوع باز خواهیم گشت.

۴. سالنامه‌های پادشاهان که به عنوان منبع استفاده می‌شوند.

از آنجا که کتاب‌های اول و دوم پادشاهان دوره زمانی طولانی را در بر می‌گیرند، طبیعی است که انتظار داشته باشیم نویسنده از منابع مختلف تاریخی که در اختیار داشته استفاده کرده باشد. به نظر می‌رسد که این کتاب، تاریخ پادشاهان اسرائیل و تاریخ پادشاهان یهودا بوده است که اغلب به عنوان کتاب تواریخ پادشاهان اسرائیل «یا کتاب تواریخ پادشاهان یهودا از آن یاد می‌شود».

به اول پادشاهان ۱۹:۱۴ نگاه کنید. این ارجاع را می‌بینید که مرتباً استفاده می‌شود. اول پادشاهان پس از بحث در مورد یربعام می‌گوید: «سایر وقایع سلطنت یربعام، جنگ‌های او و نحوه حکومت ۱۴:۱۹ او، در کتاب تواریخ پادشاهان اسرائیل نوشته شده است.» بنابراین نویسنده خوانندگان خود را به منبع دیگری ارجاع می‌دهد که احتمالاً اگر کسی می‌خواست اطلاعات بیشتری کسب کند، چیزی در دسترس بوده است. اول پادشاهان ۲۳:۱۵ منبع دیگری را به شما ارائه می‌دهد: «و اما در مورد سایر وقایع

سلطنت آسا، تمام دستاوردهای او، هر آنچه که انجام داد و شهرهایی که ساخت، در کتاب تواریخ پادشاهان یهودا نوشته شده است.» ۳۳ ارجاع به این دو منبع از طریق کتاب‌های اول و دوم پادشاهان وجود دارد. ارجاعات زیادی وجود داشت. بنابراین وقتی به کتاب تواریخ پادشاهان اسرائیل می‌رسید، این شمال است. نمی‌تواند به تواریخ اشاره کند. به نظر می‌رسد دو منبع، احتمالاً سوابق درباری یا چیزی شبیه به آن، وجود داشته که به نوعی نگهداری می‌شدند و قابل دسترسی و شناخته شده بودند. تعدادی منبع نیز در تواریخ ذکر شده است. و ممکن است نویسنده تواریخ به پادشاهان اول و دوم دسترسی داشته باشد - این احتمال وجود دارد زیرا تواریخ بعداً نوشته شده است.

البته این سوال در مورد ماهیت این دو منبع مطرح می‌شود. لازم به ذکر است که اشاره به آنها تنها پس از تقسیم پادشاهی آغاز می‌شود و احتمالاً آنها منابعی بودند که در آن برهه از زمان آغاز شدند. با این حال، چندان مشخص نیست که آیا آنها سالنامه‌های رسمی دربار بودند یا نوعی تاریخ نوشته شده توسط کسی که به سالنامه رسمی دربار دسترسی داشته است. طرفداران دیدگاه دوم می‌گویند که موضوع اشاره به آنها فرض را بر این می‌گذارد که آنها برای هر کسی که مایل به مراجعه به آنها بود، قابل دسترسی بودند. این را نمی‌توان در مورد سالنامه‌های رسمی دربار گفت. با این حال، چه کسی می‌داند که چنین مطالبی چقدر قابل دسترسی بوده‌اند؟ همچنین ممکن است این سوال مطرح شود که آیا سالنامه‌های رسمی دربار قرار بوده است حاوی سابقه توطئه برای به دست آوردن پادشاهی باشند یا خیر. اول پادشاهان می‌گویند: «و اما سایر وقایع سلطنت زمری و شورشی که او انجام داد، آیا در کتب پادشاهان 16:20 اسرائیل نوشته نشده است؟» «ما واقعاً چیز زیادی در مورد این منابع نمی‌دانیم، اما بارها به آنها اشاره شده است.

برای تاریخ سلیمان از منبع دیگری استفاده شده است که در اول پادشاهان ۱۱:۴۱ به عنوان کتاب وقایع سلیمان «به آن اشاره شده است. در اینجا تعیین شخصیت نویسنده حتی دشوارتر است. برخی می‌گویند که این صرفاً یک اثر عملی و تبلیغاتی بوده است. برخی دیگر می‌گویند که این یک تاریخ بوده است که منحصراً شامل یک روایت سیاسی از سلطنت سلیمان بوده است. برخی دیگر می‌گویند که محتوای آن گسترده‌تر از مطالب سیاسی صرف بوده است. بحث‌های طولانی در مورد این موضوع وجود دارد، اما هیچ دلیلی برای نتیجه‌گیری قطعی وجود ندارد. اما منبع دیگری نیز وجود دارد، کتاب وقایع سلیمان که در اول پادشاهان ۱۱:۴۱ به آن اشاره شده است. بسیار محتمل است که نویسنده پادشاهان به منابع دیگری دسترسی داشته باشد که به طور خاص به آنها اشاره نمی‌کند. این امر به ویژه در مورد مطالبی در پادشاهان صادق است که انتظار نمی‌رود از وقایع دربار گرفته شده باشند، مانند روایات گسترده مربوط به پیامبران الیاس و الیشع. نمی‌توان تعیین کرد که آیا مطالبی از این نوع از یک منبع واحد یا از روایات نبوی جداگانه مختلف گرفته شده است.

به طور کلی، اکثر محققان به موضع دوم تمایل دارند. و الاحضرت رولی این منابع را به عنوان زندگی‌نامه‌های نبوی معرفی می‌کند. او می‌گوید نمی‌توانیم بگوییم که چه تعداد از این منابع مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اما علاوه بر چرخه‌های داستان‌هایی که به الیاس و الیشع و اشعیا می‌پردازند، داستان میکایا را در اول پادشاهان ۲۲ می‌یابیم. به نظر من، علاوه بر وقایع‌نامه‌های رسمی دربار، نویسنده باید به نوعی از مطالبی که به الیاس و این پیامبران می‌پرداخته دسترسی داشته و از همه آن مطالب در نوشتن این کتاب استفاده کرده باشد. اما ما شواهد محکم زیادی نداریم که دقیقاً بدانیم این منابع چه بوده‌اند و تعداد آنها چقدر بوده است.

۳. تاریخ نگارش

سوم، تاریخ نگارش. این کتاب باید پس از اعلام آزادی یهوایکین از زندان بابل و تلویحاً پس از مقام و منزلت او در بابل تا زمان مرگش نوشته شده باشد. ما تاریخ مرگ یهوایکین را نمی‌دانیم. اما در هر صورت، این کتاب پس از مرگ نبوکدنصر و جانشینی اوایل مروذک، حدود سال ۵۶۲ پیش از میلاد، نوشته شده است. بنابراین، احتمالاً نه چندان دور از سال ۵۶۲، قدیمی‌ترین زمانی است که این کتاب می‌توانسته نوشته شده باشد، زیرا شامل آن مطالب است.

با این حال، ملاحظاتی وجود دارد که باعث شده برخی مطالب نهایی کتاب را به عنوان افزوده‌ای به یک ترکیب اولیه قبلی در نظر بگیرند. در تعدادی از موارد، گفته می‌شود که برخی از چیزهای مربوط به دوره پیش از تبعید «تا به امروز» همچنان وجود دارند. برخی تصور می‌کنند که این نشان دهنده ترکیبی در زمان پیش از تبعید است. به عنوان مثال، در اول پادشاهان ۸:۸ درباره تیرک‌هایی که برای حمل صندوق عهد استفاده می‌شدند، می‌خوانیم. این تیرک‌ها آنقدر بلند بودند که انتهای آنها از مکان مقدس در جلوی محراب داخلی دیده می‌شد، اما نه از خارج از مکان مقدس، و «آنها هنوز هم آنجا هستند.» همانطور که در اول پادشاهان ۸:۸ گفته شده است. پس از تخریب معبد و گم شدن صندوق عهد، دیگر چنین نبود.

در اول پادشاهان ۹:۲۰-۲۱ می‌خوانیم که سلیمان مردمی را که از هیتی‌ها، عموری‌ها، فرزی‌ها، حوی‌ها و یبوسی‌ها باقی مانده بودند، برای نیروی برده‌داری «تا به امروز» به خدمت اجباری گرفت. این، ذاتاً تا زمانی که پادشاهی یهودا وجود داشت، صدق می‌کرد. عبارات اول پادشاهان ۱۲:۱۹ مبنی بر اینکه اسرائیل «تا به امروز» علیه خاندان داوود شورش کرده است و دوم پادشاهان ۸:۲۲ مبنی بر اینکه ادوم «تا به امروز» علیه یهودا شورش کرده است، وجود مداوم پادشاهی یهودا را پیش‌فرض گرفته بودند. سایر اشارات مشابه کمتر مشکل‌ساز هستند، اما با این وجود، در کنار هم، به نظر می‌رسد که با نویسنده‌ای که در زمان پیش از تبعید در فلسطین زندگی می‌کرده، بیشتر مطابقت دارند تا نویسنده‌ای

که در زمان پس از تبعید در بابل بوده است.

اگر کسی احتمال اضافه شدن آثار پیش از تبعید را در زمان پس از تبعید بپذیرد، سوال این است که این آثار پیش از تبعید چه زمانی به وجود آمده‌اند؟ وقتی متوجه می‌شویم که در زمان سلطنت پادشاه یهوایقیم به منبع، یعنی سالنامه پادشاهان یهودا، اشاره شده است، اما در مورد جانشینان او، یهوایقیم و صدقیا، اشاره‌ای نشده است. پس دلیلی وجود دارد که فرض کنیم اولین تألیف در دوره بین مرگ یهوایقیم و تخریب اورشلیم در سال ۵۸۶ قبل از میلاد رخ داده است. به عبارت دیگر، در آخرین سال‌های قبل از اسارت. سپس نتیجه‌گیری به عنوان زندگی در زمان تبعید توصیف می‌شود. اگرچه این یک دیدگاه احتمالی در مورد تاریخ و نویسنده است، اما تا حد زیادی بر اظهارات «تا به امروز» استوار است. یک جایگزین این است که این اظهارات را به عنوان اظهارات منبع اصلی در نظر بگیریم، نه تدوین نهایی پادشاهان

توجه داشته باشید که دوم تواریخ ۵:۹ در مقایسه با اول پادشاهان ۸:۸ است. دوم تواریخ ۵:۹: «می‌گوید»: «این تیرک‌ها آنقدر بلند بودند، «این تیرک‌هایی هستند که صندوق عهد را حمل می‌کنند،» که انتهای آنها از صندوق عهد از جلوی محراب داخلی دیده می‌شد، اما از بیرون مکان مقدس دیده نمی‌شد، و آنها هنوز هم امروز آنجا هستند.» اول پادشاهان ۸:۸: «می‌گوید»: «این تیرک‌ها آنقدر بلند بودند که انتهای آنها از مکان مقدس جلوی محراب داخلی دیده می‌شد، اما از بیرون مکان مقدس دیده نمی‌شد، و آنها هنوز هم امروز آنجا هستند.»

حال به دوم تواریخ ۵:۹ در مقایسه با اول پادشاهان ۸:۸ توجه کنید. تواریخ قطعاً مربوط به دوران پس از تبعید است. با این حال، عبارت‌بندی آنها یکسان است. محتمل‌ترین توضیح این است که وقایع‌نگار صرفاً منبع خود، یعنی اول پادشاهان، را نقل کرده است. چرا گردآورنده/نویسنده پادشاهان نمی‌توانسته همین کار را با منابع خود انجام دهد؟ این امر مشکل فرض ویرایش کتاب قبلی پادشاهان توسط یک ویراستار تبعیدی را کاهش می‌دهد و وحدت تألیف توسط یک نویسنده واحد که در تبعید زندگی می‌کند و از منابع مختلفی که در اختیار داشته استفاده کرده است را حفظ می‌کند. به عبارت دیگر، عبارات تا به امروز «می‌تواند عبارات منبعی باشد که نویسنده به سادگی نقل قول می‌کند، نه اینکه «تا به امروز» به آن دوره تبعید نیز گسترش یافته باشد.

اگر این را نگوئید، تقریباً باید بگوئید که بخشی از کتاب قبل از تبعید نوشته شده است؛ اما این بخش آخر که به زندانی شدن و آزادی یهوایکین می‌پردازد، بعداً توسط یک ویراستار اضافه شده است. اما یک راه حل این است که این پیشنهاد را مطرح کنیم. *پایان قبل از آن*، پایان اسارت بابلی، ۵۳۹ قبل از میلاد است. هیچ اشاره‌ای به این پایان و هیچ اشاره‌ای به قریب‌الوقوع بودن آن نشده است. پس کتاب باید قبل از این زمان به شکل نهایی خود رسیده باشد. اگرچه این استدلالی از روی سکوت است که اغلب در این مورد قانع‌کننده نیست، اما بازگشت از اسارت از چنان اهمیت عظیمی برخوردار است که نویسنده‌ای

که آن را روایت کرده است، اگر قبلاً تحقق یافته بود، به سختی می‌توانست در مورد پایان آن سکوت کند .
به نظر می‌رسد کاملاً قطعی است که پایان اسارت هنوز در چشم‌انداز نبود و هیچ اشاره‌ای به آن وجود
ندارد.

فکر می‌کنم در همین جا متوقف شوم، یک جزوه دیگر دارم که کمی بیشتر به این مطالب مقدماتی
می‌پردازد و احتمالاً در ساعت اول هفته آینده به آن خواهیم پرداخت و سپس به کتاب پادشاهان خواهیم
پرداخت.

رونویسی توسط کیت تورتلند
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس
روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس